



عطف

۶ کتاب که تجدید چاپ شدند

شش کتاب انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت...العظمی

خامنه‌ای (مذله‌العالی) تجدید چاپ شدند.

کتاب «خون دلی که لعل شد» به چاپ نوزدهم رسید. این کتاب، خاطرات حضرت آیت... خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب توسط خود ایشان ابتدا به زبان عربی نوشته شده و در بیروت با عنوان «ان مع الصبر نصرا» به چاپ رسیده و سپس به قلم دکتر محمدعلی آذرشب گردآوری و به وسیله محمدرحسین باتمان‌علیچ به فارسی بازگردانی شده است.

کتاب «روش تحلیل سیاسی» مجموعه بیانات حضرت آیت... خامنه‌ای (مذله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی است. چاپ هجدهم این اثر روانه بازار کتاب شده است. این کتاب تلاشی است مبتنی بر منظومه فکری رهبر انقلاب با هدف ارائه روشی منسجم و منطقی برای تحلیل مسائل و پدیده‌ها در چهارچوب تحلیلی انقلاب اسلامی. این مجموعه در قالب یک کتاب کار و در دو گفتار و دو ضمیمه تنظیم شده است.

کتاب «مطلع عشق» مجموعه‌ای است از پندها و نصایح رهبر معظم انقلاب به زوج‌های جوانی که توفیق یافته‌اند پیوند زناشویی خود را با آهنگ کلام ایشان آغاز کنند. کتاب حاضر به چاپ هفدهم رسیده است. این پندها و نصیحت‌ها که قبل از شروع و پس از پایان خطبه عقد ایراد شده، آمیخته‌ای است از حکمت‌های نظری و عملی که به زبانی ساده و شیرین بیان شده است. این مجموعه شامل چهار کلام و هفت رهنمود است. در کلام‌ها، دانستگی‌هایی ضروری در مورد ازدواج و خانواده مطرح می‌شود و در رهنمودها، مهارت‌های زندگی مشترک و توصیه‌هایی به زوج‌های جوان.



در کتاب مطلع عشق که بر اساس فرمایشات معظم‌له در میان حدود ۳۰۰ خطبه عقد جمع‌آوری شده است، فرازهای گوناگون سخنان ایشان با عناوین مناسب متمایز گشته است.

کتاب «همزمان حسین(ع)» برای شانزدهمین بار تجدید چاپ شد. این کتاب شامل مجموعه سخنرانی‌های حضرت آیت... خامنه‌ای در سال ۱۳۵۲ در هیات انصارالحسین(ع) تهران است که به تحلیل رسالت و مبارزات سیاسی ائمه(ع) می‌پردازد. این کتاب مشتمل بر ۱۰ سخنرانی رهبر انقلاب در ماه محرم سال ۱۳۵۱ هجری شمسی است. ایشان بین سال‌های ۴۶ تا ۵۵ به‌طور متناوب در مناسبت‌های مذهبی به تهران مسافرت می‌کردند و در جلسات مختلف به ایراد سخن می‌پرداختند. گفتنی است پویش کتابخوانی همزمان حسین(ع) تا ۱۹مهرماه ادامه دارد که علاقه‌مندان می‌توانند با تهیه این کتاب از پایگاه اینترنتی انتشارات انقلاب اسلامی به www.book-khameh.ir در این مسابقه شرکت کنند.

کتاب «از نیمه خرداد» که به کوشش دکتر مصطفی غفاری فراهم شده، به بررسی اندیشه و سازوکارهای رهبری آیت... خامنه‌ای می‌پردازد و چاپ هشتم آن در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. در این کتاب از بیانات و خاطرات رهبر انقلاب استفاده شده و نویسنده تلاش کرده تا با گذر از تصویر رهبری به‌عنوان یک سخنران زبردست، به‌طور فشرده، نمایی روشن و سراسرت از خطوط کلی زندگی، شخصیت، اندیشه و رهبری آیت... خامنه‌ای ارائه کند.

کتاب «صاعقه‌گناه» از آثار جدید انتشارات انقلاب اسلامی است که در اواخر بهار امسال چاپ شد و درحال حاضر، چاپ دوم آن روانه بازار شده است. این کتاب مجموعه کامل دیدگاه رهبر انقلاب درباره «گناه» است که با شیرینی مثال‌ها و نقل احادیث از زندگی ائمه اطهار به تبیین گناه و ابعاد مربوط به آن می‌پردازد.



شعار «هفته‌ملی کودک» اعلام شد

ویژه‌برنامه‌های روز جهانی و هفته‌ملی کودک در سال ۱۴۰۰ با شعار «حال خوش کودکی، رنگ خوش زندگی» در سراسر کشور برگزار می‌شود. به گزارش جام‌جم، ابوالقاسم سلیمانی، دبیر هفته ملی کودک با اعلام این خبر گفت: ویژه‌برنامه‌های هفته‌ملی کودک طی روزهای ۱۶ تا ۲۲ مهر ۱۴۰۰ در سراسر کشور به‌صورت مجازی و حضوری اجرا خواهند شد. به‌گفته‌وی، تکیه بر شادی، نشاط و بازی از جمله نکته‌های مهمی است که این رویداد بر آن تأکید دارد.

شاهین فرهنگ نخستین سمفونی ایرانی کرونا را می‌سازد

شاهین فرهنگ نخستین سمفونی ایرانی کرونا را می‌سازد

شاهین فرهنگ از خلق نخستین سمفونی کلاسیک ایرانی با موضوع کرونا خبر داد که با حضور یکصد هنرمند اجرا می‌شود. به گزارش جام‌جم، شاهین فرهنگ، عضو پیوسته فرهنگستان هنرگفت: تم اصلی این سمفونی نیز مانند خود کرونا تراژیک است. پشتیبانی ویژه آقای نامورمطلق هم سبب خلق سمفونی جدید کرونا شد. این اثر سمفونی شماره ۲۱ من است و قسمت اول آن با موفقیت به پایان رسیده‌است.

عراقی که به تازگی منتشر شده است

پرچم



سیدجواد الاعرجی، بزرگ موکب‌داران نجف اشرف رهبر جمهوری اسلامی را، نه یک روحانی اهل ایران یا رهبر دینی و سیاسی فارس‌ها بلکه فرزند حسین(ع)، نواده رسول(ص) و پسر فاطمه(س) می‌داند. سیدهاشم الیاسی یکی از موکب‌داران بزرگ

که هر سال در طریق العلماء میزبان راهپیمایان است، خطاب به رهبر انقلاب می‌گوید: «ما خادمان اهل بیت(ع) از جمهوری اسلامی تشکر می‌کنیم. آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای هم در ثواب پذیرایی از زائران حسینی با ما شریک است. ایرانی و عراقی، ید واحده هستند.» در این مراسم کسانی از ابتدا و انتها و میانه جمع، بلند می‌شوند برای ابراز احساسات و علیه آمریکا و صهیونیست‌ها شعار می‌دهند. علی عبدالحسین عبود، نماینده خدام اهل‌بیت(ع) و موکب‌داران بغداد و کاظمین است که حرف‌هایش را از روی متن می‌خواند و ذکر خیری هم از آیت‌ا... سیستمانی می‌کند و در میان اظهاراتش این جمله به دل می‌نشیند: «خطاب به ملت ایران می‌گویم که ای مردم ایران! ما مشتاقیم به شما چنان‌که یعقوب به یوسف.» وقتی جوان عراقی با حرارت خطاب به سیدعلی خامنه‌ای ابراز احساسات می‌کند، از میان حرف‌هایش این دو واژه بسیار شنیده می‌شود، سلمان و سلیمانی! اولی یار ایرانی پیامبر(ص) و دومی سردار سرفراز این سال‌ها که البته سردار عزیز ما آن روز هنوز در بین ما بود.

یک مداح و یک روحانی جوان هم پشت تریبون می‌روند. روحانی جوان روضه سوزناکی به عربی می‌خواند که صدای گریه‌ها و سینه‌زنی‌ها بلند می‌شود. محمدصادق علیزاده به عنوان گزارشگر مراسم، دیده که یکی از تصویربرداران صدا و سیما پشت دوربین و در حال فیلم گرفتن و تنظیم لنز دوربین، هم شانه‌هایش لرزیده و هم چشم‌هایش پرآب شده بود.

موکب‌دارانی که در این مراسم حضور دارند، به هر زبان و با هر عبارت یک مضمون را تکرار می‌کنند و آن هم برادری است؛ یکی می‌گوید حسین ملت ایران و ملت عراق را با هم متحد کرده است. دیگری می‌گوید با حفظ دو ملت موافق نیست و همه را یک ملت و برادر می‌داند. باقی اظهارات هم شامل عبارتی است از این دست: ید واحد، پیوند قلب‌ها با عشق امام حسین(ع).... و پرچم واحد.

امام محمد گلریز که این هفته ۷۵ ساله شد

بازی خجسته باد» را می‌خواند!

صلابت ملت و ارتش و سپاه ما؛ جاودانه شد از فروغ ظفر پگاه ما» را خیلی دوست داشتند و با آنها بسیار روحیه می‌گرفتند.

به نظرم هنرمندان کارشان را بلد بودند و می‌توانستند با سرودهای انقلابی و حماسی به رزمندگان روحیه دهند و می‌توان گفت حضور من به عنوان یک هنرمند در عرصه‌های جنگ هم این گونه مؤثر بود.

»

یک بار به یکی از مناطق جنگی رفته بودم و قرار بود برای رزمندگان سرودهای حماسی بخوانم. ناگهان آژیر شیمیایی رازند و ما همه چیز را متوقف کردیم و لباس‌های مخصوص شیمیایی را پوشیدیم و به سنگرها رفتیم. مدتی گذشت و بیرون آمدیم و دوباره آژیر شیمیایی رازند و به سنگرها بازگشتیم. چند دقیقه بعد دوباره خواستیم بخوانیم که باز هم این اتفاق تکرار شد. همه رزمندگان به شوخی و خنده می‌گفتند ما کار خودمان را نکنیم هرچه شد، شد و برنامه‌ام را برایشان اجرا کردم.

تا سال ۶۷ و عملیات مرصاد که آخرین باری بود که به جبهه رفتم و آن زمان یک گروه‌ک تشکیل داده بودم و با هم برنامه اجرا می‌کردیم. بسیاری از شهدای ما از شاعران بودند که در جبهه‌ها شهید شدند و طبق آمار بیش از ۳۰۰ شهید هنرمند در عرصه‌های مختلف آهنگسازی، خوانندگی، مستندسازی و... داریم که متأسفانه به این شهدا و خانواده‌هایشان در طول این سال‌ها کم‌توجهی شده است.

» سرود «خجسته باد این پیروزی» با خاطره آزادسازی خرمشهر ستیاق شده است. این سرود چه زمانی ساخته شد؟

همان‌طور که گفتم من به همراه استاد سبزواری، مرحوم راغب و مجتبی میرزایی یک تیم تشکیل داده بودیم. سال ۶۱ به ما گفتند یک پیروزی عظیم در پیش داریم و شما هم سرودی بخوانید که این پیروزی را تکمیل کند. اما بیش از این توضیحی ندادند و گفتند فقط سعی کنید اثر ماندگاری تولید شود.

ما نیز پس از همفکری‌های بسیار سرود «خجسته باد این پیروزی» را با شعری از مرحوم سبزواری و آهنگسازی مرحوم راغب و خوانندگی بنده ساختیم. این قطعه در ردیف آوازی بیات ترک است که گوشه‌ای به نام روح‌الارواح دارد و آذان معروف مرحوم مؤذن زاده اردبیلی هم در همین گوشه تلاوت شده است. نکته جالب این بود که معمولا سرود حالتی کلاسیک دارد اما در اینجا آوازی ایرانی است و

» بعد از نماز مغرب که در حرم مولا

خواندیم، نشستیم توی ماشین، عمود مشقی‌ها را رد کنیم و بزیم به طریق. این عمود مشقی‌ها هم حکایتی دارد که اگر ندانی یک کوچولو توی ذوقت می‌خورد. حالا قصه چیست؟ از حرم مولا که راه می‌افتی سمت کربلا پلاک‌هایی سبزرنگ را روی تیربرق‌ها می‌بینی، راه میفتی و از

وسط وادی‌السلام می‌روی سمت کربلا، نجف تمام می‌شود می‌رسی به جاده اصلی نجف - کربلا، به خودت می‌بالی که صدو هشتاد و خرده‌ای عمود آمده‌ای و اول جاده کربلا یک هو دوباره تابلوی عمود شماره یک را می‌بینی. پوکر فیس می‌شوی و تمام خستگی به جانت می‌ماسد. حرفه‌ای ترهای اربعین رو این را می‌دانند و دیگر توی ذوقشان نمی‌خورد. تنبل‌هایی مثل من هم ماشین می‌نشینند و از یک واقعی شروع می‌کنند. از یک واقعی شروع کردیم. تا اذان صبح رفقیم. هوا گرم شده. شب‌روی بهتر می‌چسبد. هم خنک است. هم خوردنی کمتر است. هی نمی‌ایستی خندق بلا پرکت. دم دمای اذان صبح سیدعلی گفت

من دیگر نمی‌کشم به نظرم بزیم کنار نماز بخوانیم چند ساعتی بخوابیم و بعد دوباره ی‌ا علی از تومدد. گفتم عشق است. گوش‌اش را از پرشالش در آورد شماره‌ای را گرفت و چند جمله عربی و بعد گفت رفیق‌هایم چند عمود جلوتر موکب دارند گفتیم یک اتاق خالی کنند. رفقیم و رفقیم تا رسیدیم. حال و احوال معمول و خدافوت و خسته نباشیدهای متداول انجام شد. ما را به اتاقی در انتهای موکب برد که محل استراحت خودشان بود. اتاقی آراسته و مجلل با کولرگازی روشن و عطر عود عربی و دیس میوه و نسکافه و حلویات. کوله را در اتاق گذاشتیم. کفش در آورده و دمپایی پوشیدیم که برویم خستگی باها را بسپاریم به خنکای آب. توی مسیر سرویس بهداشتی صدای ماغ کشیدین گاوی بُراقم کرد، من هم بیابانمرد رفتم سمت صدا، سیدعلی که دید راه کج کردم. همراهم شد. سیدرسول موکب‌دار فهمیدی ی‌گاوها می‌گردیم راهنمایی‌مان کرد، محوطه‌ای پشت دیوار موکب را نشان‌مان داد، پانزده تا گوساله زبر و زنگ داشتند نشخوار می‌کردند، گفتم سید گاوداری زده سیدرسول؟ یک چیزی به رسول گفت و دوتایی خندیدند. گفتم حرف بدی زدم؟

خیلی از این شعر خوش‌شان آمد و مرحوم مشفق را تایید و تشویق کردند و سپس رو به من کردند و فرمودند «شما این شعر را بخوان». من هم اطاعت کردم و خواندم و قطعه‌ای به نام «سکر سماع ملکوت» ساختم شد.

» شما سهم ویژه‌ای در حافظه تاریخی مردم در روزهای

شیرین پیروزی انقلاب و هشت سال دفاع

مقدس داشتید. برخورد مردم با شما در آن

سال‌ها چگونه بود؟

آن سال‌ها هرکس مرا می‌دید شروع می‌کرد به خواندن «این پیروزی خجسته باد». برای خودم خیلی جالب بود که مردم تا مرا در کوچه و بازار می‌دیدند آواز می‌خواندند.

حتی یک بار در جبهه برنامه داشتیم و وقتی اجرا تمام شد رزمنده‌ها به سمت من هجوم آوردند و از عاقله و هیجان آنها تحت فشار بودم تا این‌که یکی از فرماندهان متوجه شد و من را از زیر دست و پا بیرون کشید و صحنه جایی شده بود. خدا را شاکرم که مردم به من خیلی لطف داشتند.

» آقای گلریز این هفته

۷۵ ساله شدید. در تاریخ این مرز و بوم شاهد بسیاری از اتفاقات بوده‌اید و خودتان هم سهم عده‌ای در خاطره‌یخی به نسل‌های مختلف داشته‌اید؛ از ماحصل زندگی‌تان راضی هستید؟

من همیشه راضی به رضای خدا هستم.

پدر مرحوم همیشه شعری با این مضمون می‌خواند که «رضا به قسمت خود شو که قادر ازلی / همی نصیب به پیشانی من و تو نوشت» و من هم همیشه آن را زیر لب زمزمه می‌کنم. من از سال ۵۵ می‌خوانم و خوشبختانه در طول همه این سال‌ها با هرکسی که برخورد کرده‌ام از من زنجشی نداشته و همه با من به خوبی رفتار می‌کنند.

این یعنی آدم باید از عمق دل برای همه خوبی بخواهد و نتیجه‌اش را هم خواهد دید. برای همه کارهایی که خواندم از اعماق قلمم خوشحال و راضی هستم و همیشه می‌گویم «یارب مرا هزار زبان ده که هر زبان، روزی هزار مرتبه شکر تو را کند». اما به نظرم موسیقی انقلابی ما تضعیف شده و این باعث نگرانی است و همیشه خواسته من این بوده که به دفاع مقدس و شهدا بپردازیم و آنها را فراموش نکنیم. »

